

عکس پیام

روزی که ما ۱۰ نفر آمدیم روزنامه شهروند



ماز اینک به روزنامه شهروند آمدیم خیلی خیلی خوشحالیم و از انجمن «خانه مهر سر آسیاب» سپاسگزاریم که یک روز خوب را برای ما فراهم کرد. در روزنامه شهروند آقا سعید با ما مصاحبه کرد و قول داد که در روزنامه چاپ شود. همچنین ما عکس یادگاری با یادگارانمان گرفتیم.

بچه‌های انجمن حامیان کودکان کار و خیابان

پیشنهاد روز

خانواده با تکنولوژی مدرن چه باید بکند؟

در جهان اجتماعی اشتغال دارد. این معرفت، ما را توانا می‌سازد تا به تجربه خود معنا بخشیم، به دریافت‌های ما از این تجربه نظم و نسق می‌دهد و ما را یاری می‌کند تا معرفت‌های گذشته را محفوظ نگه داریم و به درک امروزین خود استمرار بخشیم. ۲- تقویت ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی و معنوی در خانواده‌ها، با توجه به کارکرد فرهنگ‌سازی رسانه‌ها، این کار مهم نیز به کمک آنها تحقق می‌یابد. آرایه مدل‌ها و الگوهای کارآمد از خانواده دینی و زمینه‌سازی برای رشد اخلاقی و معنوی خانواده‌ها، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی هستند. در این زمینه مؤثرترین ابزار به‌شمار می‌رود. نهاد رسانه به کار تولید، بازتولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادها یا مرجع‌هایی معنی‌دار و قابل تجربه

۱- آموزش خانواده‌ها برای استفاده از فناوری‌های مدرن و دادن اطلاعات لازم به آنان درباره آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌رو، باید یادآور شد که مزایا و فواید فناوری‌های مدرن، دیدنی و چشمگیر، اما آسیب‌ها و چالش‌های آنها پنهان و خاموش است. البته مراکز پژوهشی در این زمینه نقش بسزایی دارند و می‌توانند معایب و آسیب‌های فناوری مدرن را بررسی و مطالعه کنند تا نهاد‌های آموزشی و رسانه‌های ملی از نتایج بررسی‌های آنها بهره‌گیرند. از آن‌جا که رسانه‌ها دارای کارکردهای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی هستند، در این زمینه مؤثرترین ابزار به‌شمار می‌رود. نهاد رسانه به کار تولید، بازتولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادها یا مرجع‌هایی معنی‌دار و قابل تجربه

تلاقی

دارندگی و برزندگی

سر این موضوع جنجال به راه انداخته و هر روز با من دعوا می‌کند. این موضوع آن قدر در زندگی ما بزرگ شده که در نهایت هر دو تصمیم به جدایی گرفتیم. فرخ نیز به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم خیلی خودخواه است. آن خانه سهم من هم هست و او نباید از حالا حساب خودش را از من جدا کند. من به او می‌گویم که پول اجاره این خانه در نهایت خرج زندگی هر دویمان می‌شود ولی شوهرم قبول نمی‌کند و سر این موضوع دعوا به راه انداخته است. من هم دیگر نمی‌توانم در کنار این مرد زندگی کنم و می‌خواهم برای همیشه از او جدا شوم. شما اگر جای قاضی باشید چه حکم می‌کنید؟

لا بد شده است که منابع جدید مالی برای زندگی خود پیدا کرده باشید. پولی را که به دست می‌آوردید چه خواهید کرد؟ کدام چاله زندگی را با آن پر خواهید کرد؟ تکند زندگی شما چاله ندارد! قاضی مرتضی و فرخ، قصه‌ای از این دست است. مرتضی به قاضی گفت: آقای قاضی من و فرخ همسرم به تازگی یک خانه دیگر خریدیم و تصمیم گرفتیم آن را اجاره دهیم ولی سر پول اجاره خانه با هم درگیر شدیم. وی افزود: فرخ با من لجبازی می‌کند و می‌خواهد که تمام پول اجاره خانه هر ماه به حساب او ریخته شود. در صورتی که این خانه را من خریدم و پولش هم باید به حساب من واریز شود. ولی همسرم

اقتصاد منزل

تفاوت دیدگاه‌ها

تعیین شده برای آینده، فضای کافی جهت هزینه‌های اضطراری در نظر بگیرید و هر دو نفر در مورد این هزینه‌ها توافق نظر داشته باشید. اگر دیدگاه‌ها با هم تفاوت دارد، اولین کاری که می‌کنید این است که برنامه‌های آتی زندگی خود را به صورت اهداف کوتاه‌مدت یا حتی طولانی مدت تعریف کنید. پیدا کردن یک برنامه ایده‌آل اقتصادی در هر خانواده و بین زوج‌های گوناگون شرایط متفاوتی دارد. اگر خانواده نوپایی هستید، برنامه‌های کوتاه‌مدت شما همچون بچه‌دار شدن و دیگر پروژه‌های طولانی مدت مالی بدون فداکاری و دوطرف در هزینه‌ها ممکن و مقدر خواهد بود. اگر در اواسط زندگی زناشویی هستید، تربیت فرزندان‌تان باید اصلی‌ترین دغدغه فکری شما باشد. اگر در آستانه بازنشستگی هستید، برنامه‌ریزی برای لذت‌بردن از زندگی باید هدف اصلی دستیابی شما به آرامش باشد.

در اول زندگی شاید زن و شوهر با هم متفاوت باشند. دیدگاه شما در مورد پول و زندگی شخصیت شما را به عنوان یک فرد شکل می‌دهد. از آن‌جا که شما در خانواده‌های متفاوت بزرگ شده‌اید، دیدگاه همسر شما در مورد پول ممکن است با دیدگاه شما تفاوت‌های آشکاری داشته باشد. ممکن است پول از نظر شما پاداشی برای همه زحمات و کار سختی که متحمل شده‌اید، باشد. اما دیگران ممکن است به پول به عنوان گنجی برای حفظ آن نگاه کنند و حاضر به خرج کردن آن نباشند. سعی کنید در مورد دیدگاه‌های خود به پول و مسائل مالی با شریک زندگی خود به صورت مسالمت‌آمیز مشورت کنید. با کمک دیدگاه‌های شخص مقابل، سعی می‌کنید میان ایده‌ها و دیدگاه‌های خود هماهنگی ایجاد کنید. برای هزینه‌های ماهانه خود بودجه مشخصی در نظر بگیرید. در بودجه‌های

چهار تصویر از خانواده ایرانی (۲)

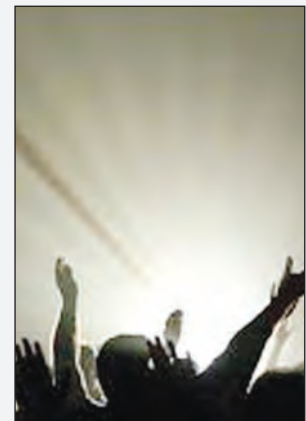
زنده‌مانی خانواده با سبد لاغر کالاهای فرهنگی

۱- سبد خوارم در صف کنسرت

در پس تمام کنش‌های افراد قرار دارد. پس حالا که موسیقی هست، باید رفت جایی که علاوه بر موسیقی نیازهای اجتماعی آدم هم باشد. وقتی که نشاط اجتماعی از آدم در بیرون می‌شود، آن را باید در هر فرصتی به وجود آورد. داخل ورزشگاه که نمی‌توانیم برویم اما حتی اگر تیم فتر باغچه ترکیه هم در بازی دسته‌چندم برود، می‌ریزیم به خیابان تا قدری بخندیم. به حرف‌هایش فکر می‌کنم. ما خواه ناخواه در جاهای مختلف موسیقی را مصرف می‌کنیم اما هیچگاه آن را نمی‌شنویم اگر در جایی نیز آن را همراهی و زمزمه می‌کنیم مینی بر شنیدن آن نیست، بلکه تنها یک «عادت» واره» است. موسیقی امروزه از یک امر جدی، تبدیل به یک امر غیر جدی شده است، در این جا منظور از موسیقی جدی برخلاف نظر «جان راک ول» اندیشمندانه است، در این جا منظور از موسیقی جدی امریکایی، موسیقی کلاسیک و کهنه نیست بلکه موسیقی‌ای است که شنیده می‌شود. در بسیاری از زمان‌ها، ما خیره به کسی نگاه می‌کنیم ولی هیچ‌یک از صحبت‌های او را نمی‌شنویم و غور در فکر دیگری هستیم، گویا تا زمانی که آن شخص صحبت‌هایش را تمام نکند ما از اندیشیدن به امر دیگر در آن «نگاه خیره» رهایی نمی‌جویم، یک رابطه دوسویه بین گوینده و اندیشیدن به امر دیگر وجود دارد، نوعی تمرکزدهی در شخص سخنگو نهفته است که شنونده در واقع چیزی نمی‌شنود با آن که به آن گوش می‌سپارد. موسیقی در دنیای امروز مانند سخنان آن گوینده است که ما غرق در اندیشه و رفتار خود آن را نمی‌شنویم. موسیقی در این جا واسطی غیر حرف‌های ساخته شده باشد بلکه بالعکس افراد در این عرصه بسیار حرف‌های بوده‌اند و در عین حال روح آن نزدیکی زیادی با مسائل اجتماعی و خرید فرهنگ‌های موجود در جامعه داشته‌اند.

خوارم اعتقاد دارد که سبد کالاهای فرهنگی خانواده باید حاوی چند بلیت کنسرت در ماه باشد. او نام خواننده‌هایی را ردیف می‌کند که تا حالا نشنیده‌ام. من با کنسرت مخالف نیستم اما به خوارم متذکر می‌شوم که کنسرت رفتن یکی از بخش‌های سبد خوار است اما او می‌گوید که فرهنگ یک موضوع جمعی است و کنسرت یک شور و نشاطی دارد که نگو و نپرس! او حتی یکنار بلیت کنسرتی را در تالار وزارت کشور خریده بود که صدلی‌اش در مقابلش یک ستون داشت و تنها چیزی که دیده‌ام نمی‌شد، قیافه خواننده‌ها بود!

خوارم می‌گوید باید در کنسرت دسته‌جمعی حضور داشت. آن جادوستانش را می‌بیند و موبایل‌های روشن‌شان را در فضا با هم تکان می‌دهند او شور و نشاط کنسرت را بیشتر از خود کنسرت دوست دارد. مخصوصاً آن‌جا که در کنسرت همه با هم دست می‌زنند و گروه را مجاب می‌کنند که یک اجرای دیگر داشته باشند و بعد در انتها آنقدر دست می‌زنند تا رهبر گروه از رو بروید از خوارم در می‌مانم که علت اصلی کنسرت را نه آرایه یک اثر هنری که وعده‌های برای شور آفرینی اجتماعی می‌داند. او می‌گوید اگر یک سالن متناسب داشتیم و اپراز نوازندگی خوب، آن وقت می‌شد برویم و غرق در اجرا بشویم اما حالا که نداریم، پس بگذار برویم و دستمان را بزنیم و اگر شد چیغ‌مان بکنیم. خوارم عاشق موسیقی پاپ است و من درک نمی‌کنم که چرا؟ هر چند تاریخ موسیقی پاپ نشان می‌دهد برخلاف تصور عده‌ای این موسیقی، موسیقی مبتذل نیست و موسیقی‌ای نیست که توسط افراد غیر حرف‌های ساخته شده باشد بلکه بالعکس افراد در این عرصه بسیار حرف‌های بوده‌اند و در عین حال روح آن نزدیکی زیادی با مسائل اجتماعی و خرید فرهنگ‌های موجود در جامعه داشته‌اند.



۲- یک آنتن برای برادرم کافی است

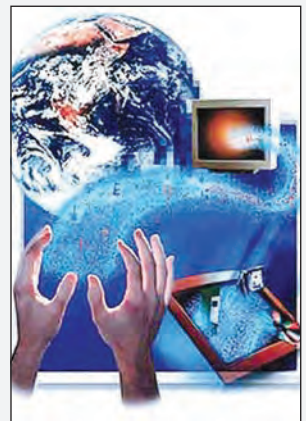
برادرم با آن که رپ‌باز است اما خیلی به سبب فرهنگی اعتقاد ندارد. او می‌گوید هزینه سبب فرهنگی باید خرج ماهواره و اینترنت شود. آنجاست که فرهنگ به‌روز می‌شود!

به اعتقاد او، موسیقی یعنی موسیقی رپ و ایسن یک نوع موسیقی است که چون زیرزمینی است، هزینه‌اش برابر با صفر است! می‌دانم که در ایران تولید موسیقی رپ عمدتاً به صورت زیرزمینی صورت می‌گیرد. در چشم‌انداز جهانی موسیقی زیرزمینی به آن نوع موسیقی اطلاق می‌شود که برخلاف جریان تجاری رایج در صنعت موسیقی حرکت می‌کنند. بدین معنا که گروه‌های فعال در این حوزه ترجیح می‌دهند استقلال هنری خویش را حفظ کرده و از نظر ذائقه هنری دنباله‌روی شرکت‌های بزرگ موسیقی نشوند.

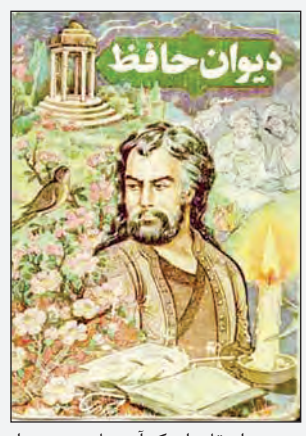
برادرم می‌گوید در ایران موسیقی زیرزمینی تعریف دیگری دارد. در واقع مجوز وزارت ارشاد برای ورود به بازار رسمی را بگیرد، موسیقی زیرزمینی نام می‌گیرد و گروه‌های تولیدکننده این نوع موسیقی‌ها را گروه‌های زیرزمینی می‌گویند. البته عدم اعطای مجوز به یک قطعه موسیقی و زیرزمینی شدن آن، دلیلی بر تکثیر و توزیع آن موسیقی در تعداد محدود و کم‌مخاطب بودن آن نیست، بلکه برعکس بعضی قطعات موسیقی زیرزمینی رکورد تکثیر در کشور را شکسته‌اند.

او می‌گوید حالا که اجرای رپ نداریم، می‌رویم و هزینه ماهواره و اینترنت را بالاتر می‌بریم تا قابلیت فرهنگی مان بالا کند و پندار و کردار ملت‌ها را بر گونه الگوها و معیارهای تبلیغ و ترویج شده، شکل دهند.

به برادرم می‌گویم که چگونه مواظب خواهد بود، تحت تأثیر قرار نگیرد. برادرم می‌گوید من به فرهنگ ملی و بومی خود وفادارم. من دنبال رپز اطلاعات علمی، ادبی و هنری هستم. اگر به دنبال سیاست یا خشونت یا لمپنیسم بخواهم باشم، کم‌هزینه‌ترینش این است که پاپ را از خانه و حوزه سیطره ماهواره و اینترنت بگذارم بیرون و بروم داخل جامعه. او اعتقاد دارد که داخل یک آرایشگاه یا صاف یک نانوا می‌تواند احتمال دارد آدم بیشتر مورد هجوم فرهنگی قرار بگیرد تا داخل خانه!



۴- زنده‌مانی پدرا نه



پدرم اعتقاد دارد که آسیاب به نوبت. او می‌گوید داخل هر خانه‌ای باید محصولات فرهنگی باشد. مهم این است که آدم به‌روز باشد. یعنی اگر آثار ماندگار و فخری وجود دارد، بد نیست که در خانه داشته باشیم. اگر دیوان حافظ و شاهنامه داریم، خوب است که کلید هم که بزرگ‌ترین رمان فارسی است، داشته باشیم. اگر موسیقی‌های قدیمی را داریم، خوب است که از شجریان و شهرام ناظری و لطفی هم داشته باشیم. اگر سریال دایی جان ناپلئون را داریم، خوب است که چند تاسریال خارجی مثل لامت را هم داشته باشیم. پدرم دوست دارد در دیالوگ‌ها با همکارانش و در مهمانی‌های خانوادگی، نشان بدهد که از چیزی عقب نیست. او اعتقاد به گزینش بهترین‌ها دارد اما دوست دارم به او بگویم که بهترین موسیقی‌ها فقط موسیقی سنتی نیست و بهترین کتاب‌ها فقط کتب معروف نیست و...

می‌خواهم بگویم که در این سبد فرهنگی جای خیلی چیزها خالی است! از جمله تئاتر، از جمله... اما می‌دانم که بضاعت اقتصادی

۳- یک کیلو فرهنگ در سوپرمارکت



مادرم اعتقاد دارد که علاوه بر خرید کتب درسی و دیدن تلویزیون، ما باید مبلغی را صرف خرید محصولات فرهنگی از سوپرمارکت محل کنیم. به اعتقاد او، آن چیزی که خانواده احتیاج دارد، خنده و شادمانی است و این روزها سبیل‌های طنز که کارگردان‌های معروف شده در تلویزیون در بیرون تلویزیون می‌سازند و می‌فروشند، غنیمت است.

او حتی اعتقاد دارد که می‌توان این کالاهای فرهنگی را با بارها و به‌ویژه در مهمانی‌ها برای مهمانان گذاشت و بر صحت و سلامت این محصولات فرهنگی هم که نظارت کامل وجود دارد. مادر می‌گوید، سینما رفتن هم خوب است. او همیشه خاطرات جوانی خود با پدر را مرور می‌کند که سینما می‌رفته‌اند و شام هم بیرون می‌خورده‌اند و تماشای شندر زام می‌شده اما الان اگر بخواهد با ما راهی سینما بشود و بیرون هم شام بخوریم، باید یادور باز پرداخت قسط مسکن مهر را خط بگیرد یا از خرید یکی از مایحتاج زندگی صرف‌نظر کند. شاید برای همین است که با خرید یک سی‌دی چند هزار تومانی از سوپرمارکت محل، سروته سینما رفتن را به هم می‌آورد دل خوش‌داز چیزی می‌شود که نشان می‌دهد او هنوز نسبت به فرهنگ بی‌تفاوت نیست.

رویم نمی‌شود که به مادرم بگویم همچنان که پرده سینماهای کشور، غالباً به نمایش آثار نه‌چندان فاخر اختصاص دارد، بخش اعظم قفسه‌های فروش فیلم سوپرمارکت‌ها را نیز آثار سینمایی نازل و بی‌بهره از ارزش‌های هنری و محتوایی پر کرده است. تجلی سلطه سینمای تجاری بر شبکه نمایش خانگی را نیز می‌توان در عکس‌ها و پوسترهای این فیلم‌ها بر